

## الأصل هو الخلافة الإلهية: اصل، خلافت الهی است

الملك لله، ولا يحق لأحد التصرف في ملك الله إلا بإذنه، فمن يريد أن يخرج التصرف بملك الله من الله إلى الناس لتكون للناس ولاية تنصيب الخليفة أو الحاكم - كما هو اعتقاد السنة -، عليه أن يأتي بالدليل على أن الله أذن بهذا، وإلا فالأمر على ما هو عليه بالأصل؛ وهو أن الولاية لله ولا تنتقل إلا بإذن منه سبحانه وتعالى وتنصيب منه سبحانه وتعالى.

فرمان‌روایی مخصوص خداوند است و هیچ فردی حق دخالت در فرمان‌روایی خداوند را ندارد، مگر با اجازه‌ی او. هر کس بخواهد فرمان‌روایی را از خداوند به مردم منتقل کند، تا مردم دارای ولایت نصب خلیفه یا حاکم باشند - همان‌طور که اعتقاد اهل سنت است - باید دلیلی بیاورد که خداوند اجازه این کار را به او داده است؛ در غیر این صورت مسئله بر همان اصل خود می‌ماند. این که ولایت برای خداوند است و فقط با اذن خداوند سبحان و متعال منتقل می‌شود و منصوب کردن حاکم تنها از سوی خداوند سبحان و متعال جایز است.

فالأصل الثابت هو خلافة الله في أرضه بتعيين إلهي، وأن لكل زمان خليفة لله في أرضه يعينه الله.

اصل ثابت، همان خلافت خداوند در زمین با تعیین الهی است و این که در هر زمانی، خداوند در زمین جانشینی دارد که خودش او را تعیین می‌کند.

كما أنها سنة الله سبحانه وتعالى، وقد قال تعالى: (سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا)، ومن يريد نقضه يحتاج إلى دليل نقض وهو مفقود.

این موضوع، سنت خداوند سبحان و متعال است. خداوند متعال فرمود: «خدا روشی ثابت و قطعی مقرر کرده است که از پیش جاری بوده است، و هرگز برای

سنت خدا تغییر و تبدیلی نخواهی یافت» [361]. هر فردی می‌خواهد آن را نقض کند، به دلیل نقض نیازمند است، که البته آن را دارا نیست.

ومنذ اليوم الأول مع آدم (عليه السلام) طبق هذا الأصل:  
این تعیین، از روز اول برحضرت آدم (ع) تطبیق یافت؛

فاستخلف الله آدم في الأرض وعينه خليفته في أرضه:  
خداوند آدم را جانشین خود در زمین قرار داد و او را به عنوان خلیفه‌ی خودش در زمین تعیین کرد:

(وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ).  
«و هنگامی که پروردگارت به فرشتگان فرمود: من در زمین خلیفه‌ای قرار می‌دهم. فرشتگان گفتند: آیا در زمین کسی را قرار می‌دهی که در زمین فساد می‌کند و خون‌ها می‌ریزد، در حالی که ما به وسیله حمد تو تسبیح می‌گوییم و تو را تقدیس می‌کنیم؟ فرمود: من چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید» [362].

وزوده بالعلم الديني:

و علم دین را توشه‌ی او نمود:

(وَاعْلَمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ).  
«و خداوند به آدم آن اسماء را آموخت؛ سپس آن اسماء را بر فرشتگان عرضه کرد؛ پس فرمود: مرا به اسماء این‌ها خبر دهید اگر راستگو هستید» [363].

وَأَمْرَ الْخَلْقِ بِطَاعَتِهِ (تطبيق حاکمیه الله):  
و مخلوقات را به اطاعت از او دستور داد (اجرای حاکمیت خداوند):

(وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ) [البقرة: 34].

«و هنگامی که به فرشتگان گفتیم: آدم را سجده کنید، همه سجده کردند جز ابلیس، که سر باز زد و برتری جست؛ و او از کافران بود» [364].

واستمر هذا الأمر إلى محمد (صلى الله عليه وآله) - كسنة إلهية جارية -،  
ويستمر بعد محمد (صلى الله عليه وآله) إلى أن يرث الله الأرض ومن عليها،  
وتنتهي الخلافة بنهاية وجود المكلفين على هذه الأرض.

این مسئله تا محمد (ص) به عنوان سنت الهی جاری ادامه داشته است و پس  
از محمد (ص) نیز ادامه دارد؛ تا این که خداوند، زمین و افرادی را که بر آن  
هستند، به ارث ببرد و خلافت الهی با وجود آخرین مکلفین در این زمین به پایان  
رسد.

ويدل عليه النقل عند السنة:  
احادیث اهل سنت در مورد این موضوع:

الأحاديث في خلافة علي (عليه السلام) لرسول الله  
محمد (صلى الله عليه وآله):  
احادیث در مورد جانشینی علی (ع) برای محمد  
رسول خدا (ص)

## علي هو الهادي بعد رسول الله محمد (صلى الله عليه وآله) [365]: (علي هدایت کننده پس از محمد رسول الله (ص) است). [366]

وهذه نماذج من الروايات:  
این نمونه‌هایی از این روایات است:

أخرج ابن جرير الطبري في جامع البيان (13 / 142) بسنده: «عن ابن عباس، قال: لما نزلت "إنما أنت منذر ولكل قوم هاد" وضع (ص) يده على صدره، فقال: أنا المنذر ولكل قوم هاد، وأوماً بيده إلى منكب علي، فقال: أنت الهادي يا علي، بك يهتدي المهتدون بعدي» [367].

ابن جریر طبری در کتاب جامع البیان (ج ۱۳ ص ۱۴۲) به سند خود از ابن عباس روایت کرده: (هنگامی که آیه‌ی «تو فقط بیمدهنده‌های و برای هر قومی هدایتکننده‌های است» [368]) نازل شد، رسول الله (ص) دستش را بر سینه‌ی خود قرار داد و فرمود: من همان منذر و هشداردهنده هستم؛ و هر قومی هدایتگری دارند. سپس با دستش به شانه‌ی علی (ع) اشاره کرد و فرمود: ای علی، هدایت‌گر تو هستی. هدایت‌یافتگان، پس از من به وسیله‌ی تو هدایت می‌شوند. [369]

وأخرج الحاكم النيسابوري في مستدرکه (3 / 130) بسنده عن علي بن أبي طالب (عليه السلام)، "إنما أنت منذر ولكل قوم هاد" قال علي: «رسول الله (صلى الله عليه وآله) المنذر وأنا الهادي» [370].

حاکم نیشابوری در مستدرک الصحیحین (ج 3، ص 130) به سند خود از علی بن ابی طالب (ع) روایت می‌کند که درباره‌ی آیه‌ی فوق فرمود: (رسول خدا (ص) منذر (هشداردهنده) بود و من هدایت‌گرم). [371]

وأخرج ابن أبي حاتم في تفسيره (7 / 2225 برقم 12152) بسنده: «عن علي (عليه السلام)، لكل قوم هاد قال: الهاد رجل من بني هاشم. قال ابن أبي حاتم: قال ابن الجنيد: هو علي بن أبي طالب رضي الله عنه» ([372]).

ابن ابی حاتم در تفسیرش (ج 7 ص 2225 شماره روایت 12152) از امام علی (ع) نقل می کند که فرمود: (هر قومی هدایت گری دارند، یعنی هدایت گرشان مردی از بنی هاشم است. ابن ابی حاتم می گوید که ابن الجنید گفت: آن شخص بنی هاشم همان علی بن ابی طالب (رض) است). ([373])

### وجاء أيضاً عن طرق الشيعة:

همچنین از طرق شیعه این روایات را می توان ذکر کرد:

وأخرج الكليني في الكافي (1 / 191 - 192) بسند صحيح أو حسن: «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ "إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلكلِّ قَوْمٍ هَادٍ" فَقَالَ: رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) الْمُنذِرُ وَلكلِّ زَمَانٍ مَنَّا هَادٍ يَهْدِيهِمْ إِلَى مَا جَاءَ بِهِ نَبِيُّ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) ثُمَّ الْهُدَاةُ مِنْ بَعْدِهِ عَلِيٌّ ثُمَّ الْأَوْصِيَاءُ وَاحِدٌ بَعْدَ وَاحِدٍ».

کلینی در کافی ج 1، ص 191 و 192 با سند صحیح یا حسن: (از امام باقر (ع) در مورد آیه «تو فقط بیمدهندهای و برای هر قومی هدایتکنندهای است» ([374])). فرمود: رسول الله (ص) بیمدهنده است و برای هر زمان، از ما هدایت کنندهای است که آنان را به سوی آنچه پیامبر خدا (ص) آورد، هدایت می کند. هدایت کنندگان پس از او علی (ع) می باشد، سپس یک یک اوصیا).

وأخرج أيضاً (1 / 192) بسنده: «عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام): "إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلكلِّ قَوْمٍ هَادٍ" فَقَالَ: رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) الْمُنذِرُ وَعَلِيٌّ الْهَادِي يَا أَبَا مُحَمَّدٍ هَلْ مِنْ هَادٍ الْيَوْمَ؟ قُلْتُ: بَلَى جُعِلْتُ فِدَاكَ مَا زَالَ مِنْكُمْ هَادٍ بَعْدَ هَادٍ حَتَّى دُفِعَتْ إِلَيْكَ. فَقَالَ: رَحِمَكَ اللَّهُ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ لَوْ كَانَتْ إِذَا نَزَلَتْ

آيَةُ عَلَى رَجُلٍ ثُمَّ مَاتَ ذَلِكَ الرَّجُلُ مَاتَتِ الْآيَةُ مَاتَ الْكِتَابُ وَ لَكِنَّهُ حَيٌّ يَجْرِي فِيْمَنْ بَقِيَ كَمَا جَرَى فِيْمَنْ مَضَى».

همچنین در ج 1، ص 192 با سندش آورده است: (ابوبصیر گوید: از امام صادق (ع) در مورد آیه‌ی مورد بحث پرسیدم. فرمود: رسول الله (ص) بیم‌دهنده است و علی (ع) هدایت‌کننده است. ای ابومحمد! آیا امروز هدایت‌کننده‌ای دارد؟ عرض کردم: بله، فدایتان شوم. همیشه هدایت‌کننده‌ای یکی پس از دیگری از میان شما بوده است تا این که به شما تحویل داده شده است. پس فرمود: ای ابومحمد! خداوند تو را رحمت کند. اگر آیه بر مردی فرستاده شود، سپس آن مرد بمیرد، آیه می‌میرد؟ کتاب می‌میرد؟ ولی کتاب زنده است و در افراد باقی مانده است و جریان دارد، همان طور که در گذشته جریان داشته است).

وَأُخْرِجَ أَيْضاً (1 / 192) بَسْنَدَهُ: «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) فِي قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى "إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ" فَقَالَ: رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) الْمُنذِرُ وَعَلِيٌّ الْهَادِي أَمَا وَاللَّهِ مَا ذَهَبَتْ مِنَّا وَ مَا زَالَتْ فِيْنَا إِلَى السَّاعَةِ».

همچنین در ج 1، ص 192 با سندش آورده است: امام باقر (ع) در مورد آیه‌ی فوق فرمود: (رسول الله (ص) بیم‌دهنده و علی هدایت‌کننده است. آگاه باشید. به خدا قسم! از میان ما نرفته است و همیشه تا ساعت در میان ماست).

حديث من كنت مولاة فعلي مولاة [375]:

حديث من كنت مولاة فعلي مولاة [376]

وهذه نماذج من الحديث في بعض المصادر:

این نمونه‌هایی از این حدیث در برخی از منابع است:

مسند أحمد: «حدثنا عبد الله حدثني أبي ثنا ابن نمير ثنا عبد الملك عن أبي عبد الرحيم الكندي عن زاذان بن عمر قال سمعت عليا في الرحبة وهو ينشد الناس من شهد رسول الله صلى الله عليه وسلم يوم غدیر خم وهو يقول ما قال فقام ثلاثة عشر رجلا فشهدوا انهم سمعوا رسول الله صلى الله عليه وسلم وهو يقول من كنت مولاه فعلي مولاه» ([377]).

مسند احمد: زاذان بن عمر گوید: (از علی در رحبه شنیدم که با مردم در مورد افرادی سخن می‌گفت که روز غدیر خم با رسول الله (ص) حاضر بودند. و ایشان سخن خود را فرمود. سیزده مرد ایستادند و گواهی دادند که از رسول الله (ص) شنیدند که فرمود: هر کس که من مولای او هستم، علی مولای اوست). ([378])

مسند أحمد: «حدثنا عبد الله حدثني عبيد الله بن عمر القواريري ثنا يونس بن أرقم ثنا يزيد بن أبي زياد عن عبد الرحمن بن أبي لیلی قال شهدت عليا رضي الله عنه في الرحبة ينشد الناس أنشد الله من سمع رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول يوم غدیر خم من كنت مولاه فعلي مولاه لما قام فشهد قال عبد الرحمن فقام اثنا عشر بدريا كآني أنظر إلى أحدهم فقالوا نشهد انا سمعنا رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول يوم غدیر خم ألسنت أولى بالمؤمنين من أنفسهم وأزواجي أمهاتهم فقلنا بلى يا رسول الله قال فمن كنت مولاه فعلي مولاه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه» ([379]).

مسند احمد: عبدالرحمن بن ابی لیلی گوید: (شاهد بودیم که علی (رض) در رحبه از مردم پرسید: چه کسی شنید که رسول الله (ص) در روز غدیر خم فرمود: هر کس که من مولای او هستم، علی مولای اوست؟ عبدالرحمن گوید: دوازده نفر از اهل بدر را دیدم که برخاستند و گفتند: شهادت می‌دهیم که رسول الله (ص) در روز غدیر پرسید: آیا من بر مؤمنان از خودشان اولی‌تر نیستم و زنانم مادرانشان نیستند؟ گفتیم: بلی. فرمود: هر کس که من مولای او هستم، علی مولای اوست. خدایا، کسی که ولایت او را دارد، دوست دار، و کسی که او را دشمن دارد، دشمن بدار). ([380])

مسند أحمد: «حدثنا عبد الله حدثني حجاج ابن الشاعر ثنا شبابة حدثني نعيم بن حكيم حدثني أبو مريم ورجل من جلساء علي عن علي رضي الله عنه ان النبي صلى الله عليه وسلم قال يوم غدیر خم من كنت مولاه فعلى مولاه قال فزاد الناس بعد وال من والاه وعاد من عاداه» [381].

مسند احمد: علی (رض) فرمود: (پیامبر (ص) روز غدیر خم فرمود: هر فردی مولای او هستم، علی مولای اوست. پس از آن، مردم این عبارت را اضافه کردند: هر کس که ولایت او را دارد، دوست بدار. و هر فردی که با او دشمنی می کند، با او دشمنی کن.) [382].

مسند أحمد: «حدثنا عبد الله حدثني أبي ثنا عفان ثنا حماد بن سلمة أنا علي بن زيد عن عدي بن ثابت عن البراء بن عازب قال كنا مع رسول الله صلى الله عليه وسلم في سفر فنزلنا بغدير خم فنودي فينا الصلاة جامعة وكسح لرسول الله صلى الله عليه وسلم تحت شجرتين فصلى الظهر وأخذ بيد علي رضي الله تعالى عنه فقال أستم تعلمون انى أولى بالموءمنين من أنفسهم قالوا بلى قال أستم تعلمون انى أولى بكل مؤمن من نفسه قالوا بلى قال فأخذ بيد علي فقال من كنت مولاه فعلى مولاه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه قال فلقية عمر بعد ذلك فقال له هنيئا يا ابن أبي طالب أصبحت وأمسيت مولى كل مؤمن ومؤمنة» [383].

مسند احمد: براء بن عازب گوید: (در سفری با رسول الله (ص) بودیم. در غدیر خم فرود آمدیم. در میان ما برای نماز جماعت صدا زدند؛ و زیر دو درخت برای رسول الله (ص) تمیز شد. ایشان نماز ظهر را خواند و دست علی (رض) را گرفت و فرمود: آیا می دانید که من از مؤمنان به خودشان سزاوارتر هستم؟ عرض کردند: بله. دست علی را گرفت و فرمود: هر فردی که من مولای او هستم، علی مولای اوست. خدایا! هر فردی که ولایت او را دارد، دوست بدار و هر فردی که با او دشمنی می کند، دشمن بدار. راوی گوید: عمر پس از آن، با ایشان دیدار کرد و



به او عرض کرد: ای فرزند ابوطالب! گوارایت باد. مولای هر مرد و زن مؤمنی  
شدی). [384]

مسند أحمد: «حدثنا عبد الله حدثني أبي ثنا حسين بن محمد وأبو نعيم المعنى  
قالا ثنا فطر عن أبي الطفيل قال جمع على رضى الله تعالى عنه الناس في الرحبة  
ثم قال لهم أنشد الله كل امرئ مسلم سمع رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول يوم  
غدیر خم ما سمع لما قام فقام ثلاثون من الناس وقال أبو نعيم فقام ناس كثير  
فشهدوا حين أخذ بيده فقال للناس أتعلمون انى أولى بالمؤمنين من أنفسهم قالوا  
نعم يا رسول الله قال من كنت مولاه فهذا مولاه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه  
قال فخرجت وكان في نفسي شيئا فلقيت زيد بن أرقم فقلت له انى سمعت عليا  
رضى الله تعالى عنه يقول كذا وكذا قال فما تنكر قد سمعت رسول الله صلى الله  
عليه وسلم يقول ذلك له» [385].

مسند احمد: ابى طفيل مى گوید: (على (رض) مردم را در رحبه جمع کرد. سپس  
به آنان فرمود: چه کسی از شما مسلمانان سخنی را که رسول الله (ص) در غدیر  
خم فرمود، شنید؟ سی نفر از مردم بلند شدند. ابونعیم گوید: مردم بسیاری بلند  
شدند و شهادت دادند که وقتی رسول الله (ص) دستش را گرفت، به مردم فرمود:  
آیا می دانید که من از مؤمنان به خودشان سزاوارتر هستم؟ عرض کردند: بله ای  
رسول خدا. فرمود: هر کس که من مولای او هستم، علی مولای اوست. خدایا!  
هر فردی که ولایت او را دارد، دوست بدار و هر فردی که با او دشمنی می کند،  
دشمن بدار. راوی گوید: بیرون رفتم و انگار در درونم چیزی بود. با زید بن ارقم  
دیدار نمودم و به او گفتم: من از علی (رض) شنیدم که این چنین می فرمود. گفت:  
چرا انکار می کنی؟ من از رسول الله (ص) شنیدم که در مورد او این چنین فرمود).

[386]

مسند أحمد: «حدثنا عبد الله حدثني أبي ثنا محمد بن جعفر ثنا شعبة عن ميمون عن أبي عبد الله قال كنت عند زيد بن أرقم فجاء رجل من أقصى الفسطاس فسأله عن داء فقال إن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال الست أولى المؤمنين من أنفسهم قالوا بلى قال من كنت مولاه فعلى مولاه قال ميمون فحدثني بعض القوم عن زيد أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال اللهم وال من والاه وعاد من عاداه» ([387]).

مسند احمد: ابو عبدالله گوید: (نزد زيد بن ارقم بودم که مردی از دورترین مکان فسطاس آمد و از او در مورد دردی پرسید. گفت: رسول الله (ص) فرمود: آیا من از مؤمنان به خودشان سزاوارتر نیستم؟ عرض کردند: بله. فرمود: هر فردی که من مولای او هستم، علی مولای اوست. ميمون گوید: برخی از قوم، از زيد برای من حدیث نمودند که رسول الله (ص) فرمود: خدایا! هر فردی که ولایت او را دارد، دوست بدار و هر فردی که با او دشمنی می کند، دشمن بدار). ([388]).

مسند أحمد: «حدثنا عبد الله حدثني أبي ثنا محمد ابن جعفر ثنا شعبة عن أبي إسحاق قال سمعت سعيد بن وهب قال نشد علي الناس فقام خمسة أو ستة من أصحاب النبي صلى الله عليه وسلم فشهدوا ان رسول الله صلى الله عليه وسلم قال من كنت مولاه فعلى مولاه» ([389]).

مسند احمد: ابواسحاق گوید: از سعيد بن وهب شنیدم که مردم را قسم می داد. پنج یا شش نفر از یاران پیامبر برخاستند و شهادت دادند که رسول الله (ص) فرمود: (هر فردی که من مولای او هستم، علی مولای اوست). ([390]).

مسند أحمد: «حدثنا عبد الله حدثني أبي ثنا اسود بن عامر أنا أبو إسرائيل عن الحكم عن أبي سلمان عن زيد بن أرقم قال استشهد علي الناس فقال أنشد الله رجلا سمع النبي صلى الله عليه وسلم يقول اللهم من كنت مولاه فعلى مولاه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه قال فقام ستة عشر رجلا فشهدوا» ([391]).

مسند احمد: زيد بن ارقم گوید: (مردم را شاهد گرفت و گفت: مردی مردم را قسم داد که از پیامبر (ص) شنید که فرمود: هر فردی که من مولای او هستم، علی مولای اوست. خدایا! هر فردی که ولایت او را دارد، دوست بدار و هر فردی که با او دشمنی می کند، دشمن بدار. شانزده مرد بلند شدند و شهادت دادند).

[392]

مسند أحمد: «حدثنا عبد الله حدثني أبي ثنا يحيى بن آدم ثنا حنش بن الحرث بن لقيط النخعي الأشجعي عن رياح بن الحرث قال جاء رهط إلى علي بالرحبة فقالوا السلام عليك يا مولانا قال كيف أكون مولاكم وأنتم قوم عرب قالوا سمعنا رسول الله صلى الله عليه وسلم يوم غدیر خم يقول من كنت مولاہ فان هذا مولاہ قال رياح فلما مضوا تبعتم فسألت من هؤلاء قالوا نفر من الأنصار فيهم أبو أيوب الأنصاري» [393].

مسند احمد: رياح بن حرث گوید: (گروهی در رحبه نزد علی آمدند و عرض کردند: ای مولای ما! درود بر شما. فرمود: چگونه من مولای شما هستم، در حالی که شما گروهی از عرب هستید؟ عرض کردند: ما از رسول الله (ص) در روز غدیر شنیدیم که فرمود: هر کس که من مولای او هستم، علی مولای اوست. رياح گوید: وقتی رفتند، در پی آنان رفتم و در مورد آنان پرسیدم. گفتند: چند نفر از انصار هستند که ابو ایوب انصاری نیز در میان آنان است). [394]

سنن ابن ماجه: «حدثنا علي بن محمد. ثنا أبو معاوية. ثنا موسى بن مسلم، عن ابن سابط، وهو عبد الرحمن، عن سعد بن أبي وقاص، قال: قدم معاوية في بعض حجاته، فدخل عليه سعد، فذكروا عليا. فقال منه. فغضب سعد، وقال: تقول هذا لرجل سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول "من كنت مولاہ فعلى مولاہ". وسمعته يقول أنت منى بمنزلة هارون من موسى إلا أنه لا نبي بعدي". وسمعته يقول "لأعطين الراية اليوم رجلا يحب الله ورسوله"» [395].

سنن ابن ماجه: سعد بن ابى وقاص گوید: (در یکی از سفرهای حج معاویه، سعد بر او وارد شد. علی را یاد کردند. معاویه به او اهانت کرد. سعد خشمگین شد و گفت: آیا این را در مورد مردی می‌گویی که از رسول الله صلی الله علیه و سلم شنیدم که فرمود: هر کس که من مولای او هستم، علی مولای اوست. و شنیدم که فرمود: تو نزد من مانند هارون به موسی هستی، مگر این که پیامبری پس از من نیست. و شنیدم که فرمود: امروز پرچم را به دست مردی می‌دهم که خداوند و رسولش او را دوست دارند؟). [396]

سنن الترمذی: «حدثنا محمد بن بشار أخبرنا محمد بن جعفر أخبرنا شعبه عن سلمة بن كهيل قال سمعت أبا الطفيل يحدث عن أبي سريحة أو زيد بن أرقم شك شعبة عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: "من كنت مولاه فعلى مولاه". هذا حديث حسن غريب» [397].

سنن ترمذی: سلمة بن كهيل گوید: از ابوظفیل شنیدم که از ابی سريحة یا زید بن ارقم از پیامبر صلی الله علیه و سلم حدیث می‌گوید که فرمود: (هر کس که من مولای او هستم، علی مولای اوست). این حدیث حسن و غریبی است.

المستدرک - الحاكم النيسابوري: « (حدثنا) أبو الحسين محمد بن أحمد بن تميم الحنظلي ببغداد ثنا أبو قلابة عبد الملك بن محمد الرقاشي ثنا يحيى ابن حماد (وحدثني) أبو بكر محمد بن أحمد بن بالويه وأبو بكر أحمد بن جعفر البزار (قالا) ثنا عبد الله بن أحمد ابن حنبل حدثني أبي ثنا يحيى بن حماد (وثنا) أبو نصر أحمد بن سهل الفقيه ببخارى ثنا صالح بن محمد الحافظ البغدادي ثنا خلف بن سالم المخرمي ثنا يحيى بن حماد ثنا أبو عوانة عن سليمان الأعمش قال ثنا حبيب بن أبي ثابت عن أبي الطفيل عن زيد بن أرقم رضي الله عنه قال لما رجع رسول الله (صلى الله عليه وآله) من حجة الوداع ونزل غدیر خم امر بدوحات فقممن فقال كأني قد دعيت فأجبت اني قد تركت فيكم الثقلين أحدهما أكبر من الآخر كتاب الله تعالى وعترتي فانظروا كيف تخلفوني فيهما فإنهما لن يتفرقا حتى يردا علي

الحوض ثم قال إن الله عز وجل مولاي وانا مولى كل مؤمن ثم اخذ بيد علي رضي الله عنه فقال من كنت مولاه فهذا وليه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه وذكر الحديث بطوله. هذا حديث صحيح على شرط الشيخين ولم يخرجاه بطوله. (شاهده) حديث سلمة بن كهيل عن أبي الطفيل أيضا صحيح على شرطهما (حدثناه) أبو بكر بن إسحاق ودعلج بن أحمد السجزي (قالا) أنبا محمد بن أيوب ثنا الأزرق بن علي ثنا حسان بن إبراهيم الكرمانى ثنا محمد بن سلمة بن كهيل عن أبيه عن أبي الطفيل عن ابن واثة انه سمع زيد بن أرقم رضي الله عنه يقول نزل رسول الله (صلى الله عليه وآله) بين مكة والمدينة عند شجرات خمس دوحات عظام فكنس الناس ما تحت الشجرات ثم راح رسول الله (صلى الله عليه وآله) عشية فصلى ثم قام خطيبا فحمد الله وأثنى عليه وذكر ووعظ فقال ما شاء الله أن يقول ثم قال أيها الناس اني تارك فيكم أمرين لن تضلوا ان اتبعتموهما وهما كتاب الله وأهل بيتي عترتي ثم قال أتعلمون اني أولى بالمؤمنين من أنفسهم ثلاث مرات قالوا نعم فقال رسول الله (صلى الله عليه وآله) من كنت مولاه فعلي مولاه. وحديث بريدة الأسلمي صحيح على شرط الشيخين».

مستدرک، حاکم نیشابوری: زید بن ارقم (رض) گوید: (وقتی رسول الله صلی الله علیه و سلم از حجة الوداع بازگشت و در غدیر خم فرود آمد، فرمود که از درختان سایبان بلندی بسازند. آن را بر پا کردند. سپس فرمود: گویا من خوانده شده‌ام و باید اجابت کنم. من در میان شما دو چیز گران‌بها را نهادم که یکی از آن‌ها بزرگ‌تر از دیگری است. کتاب خداوند متعال و عترت من. نگاه کنید که چگونه پس از من با آنان رفتار می‌کنید. آن دو از یکدیگر جدا نمی‌شوند، تا این که نزد حوض به من بازگردند. سپس فرمود: خداوند عزوجل مولای من است و من مولای هر مؤمنی هستم. سپس دست علی (رض) را گرفت و فرمود: هر کس که من مولای او هستم، علی مولای اوست. خدایا! هر کس که ولایت او را دارد، دوست بدار و هر کس که با او دشمنی می‌کند، دشمن بدار). و حدیث را با طولانی بودنش ذکر نمود. این حدیث صحیحی به شرط شیخین است و آن را با طولانی بودنش ذکر نکردند.

شاهد آن، حدیث سلمة بن كهیل از ابوطفیل است که به شرط این دو صحیح است. ... زید بن ارقم گوید: (رسول الله صلی الله علیه و سلم بین مکه و مدینه نزد درختان فرود آمد. پنج درخت بزرگ بود. مردم زیر درختان را تمیز کردند. ایشان در آن نشست و نماز گزارد. سپس برای خطبه برخاست. خداوند را ستایش کرد و ذکر نمود و به مردم اندرز داد. سپس آن چه را خداوند می خواست، فرمود. سپس فرمود: ای مردم! من در میان شما دو چیز را باقی گذاشتم که اگر از آن دو پیروی کنید، هرگز گمراه نمی شوید. آن دو، کتاب خداوند و اهل بیت من، عترت من هستند. سپس فرمود: آیا می دانید که من از مؤمنان به خودشان سزاوارتر هستم؟ سه مرتبه این را فرمود و سه بار گفتند: بلی. رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود: هر کس من مولای او هستم، علی مولای اوست). حدیث بریده اسلمی به شرط شیخین صحیح است.

المستدرک - الحاكم النيسابوري: « (حدثنا) محمد بن صالح بن هانئ ثنا أحمد بن نصر وأخبرنا محمد بن علي الشيباني بالكوفة ثنا أحمد بن حازم الغفاري (وأنبأ) محمد بن عبد الله العمري ثنا محمد بن إسحاق ثنا محمد بن يحيى وأحمد بن يوسف (قالوا) ثنا أبو نعيم ثنا ابن أبي غنية عن الحكم عن سعيد بن جبیر عن ابن عباس عن بريدة الأسلمي رضي الله عنه قال غزوت مع علي إلى اليمن فرأيت منه جفوة فقدمت على رسول الله (صلى الله عليه وآله) فذكرت عليا فتنقصته فرأيت وجه رسول الله (صلى الله عليه وآله) يتغير فقال يا بريدة الست أولى بالمؤمنين من أنفسهم قلت بلى يا رسول الله فقال من كنت مولاه فعلي مولاه وذكر الحديث. هذا حديث صحيح على شرط مسلم ولم يخرجاه» [398].

مستدرک، حاکم نیشابوری: بریده اسلمی (رض) گوید: (با علی در راه یمن در جنگ شرکت کردیم. از ایشان ناآرامی دیدم. نزد رسول الله صلی الله علیه و سلم رسیدم و علی را یاد نمودم و او را ناقص شمردم. دیدم که صورت رسول الله تغییر کرده است و فرمود: ای بریده! آیا من از مؤمنان به خودشان سزاوارتر هستم؟

عرض کردم: بله، ای رسول الله. فرمود: هر کس که من مولای او هستم، علی مولای اوست. و حدیث را ذکر نمود). این حدیث به شرط مسلم صحیح است و آن دو، آن را نیاوردند. ([399])

المستدرک - الحاكم النيسابوري: «(أخبرني) الوليد وأبو بكر بن قريش ثنا الحسن بن سفيان ثنا محمد بن عبدة ثنا الحسن بن الحسين ثنا رفاعة بن أياس الضبي عن أبيه عن جده قال كنا مع علي يوم الجمل فبعث إلى طلحة بن عبيد الله ان القتي فاتاه طلحة فقال نشدتك الله هل سمعت رسول الله (صلى الله عليه وآله) يقول من كنت مولاه فعلى مولاه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه قال نعم قال فلم تقاتني قال لم اذكر قال فانصرف طلحة» ([400]).

رفاعة بن ایاس از پدرش از جدش گوید: (با علی در روز جمل بودیم. ایشان به سوی طلحة ابن عبیدالله فرستاد که با من دیدار کن. طلحة نزد ایشان آمد. ایشان فرمود: تو را به خدا قسم! آیا از رسول الله صلی الله علیه و سلم شنیدی که فرمود: هر کس که من مولای او هستم، علی مولای اوست. خدایا! هر کس که ولایت او را دارد، دوست بدار و هر کس که با او دشمنی می کند، دشمن بدار؟ عرض کرد: بله. فرمود: پس چرا با من می جنگی؟ عرض کرد: یادم نیست. راوی گوید: طلحة بازگشت). ([401])

المستدرک - الحاكم النيسابوري: «(أخبرني) محمد بن علي الشيباني بالكوفة ثنا أحمد بن حازم الغفاري ثنا أبو نعيم ثنا كامل أبو العلاء قال سمعت حبيب بن أبي ثابت يخبر عن يحيى بن جعدة عن زيد بن أرقم رضي الله عنه قال خرجنا مع رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) حتى انتهينا إلى غدیر خم فأمر بروح فكسح في يوم ما أتى علينا يوم كان أشد حرا منه فحمد الله وأثنى عليه وقال يا أيها الناس انه لم يبعث نبي قط إلا ما عاش نصف ما عاش الذي كان قبله واني أوشك أن ادعى فأجيب واني تارك فيكم ما لن تضلوا بعده كتاب الله عز وجل ثم قام فاخذ بيد علي رضي الله عنه فقال يا أيها الناس من أولى بكم من أنفسكم قالوا الله ورسوله

اعلم قال من كنت مولاة فعلي مولاة. هذا حديث صحيح الإسناد ولم يخرجاه» [402].

مستدرک، حاکم نیشابوری: زید بن ارقم (رض) گوید: (با رسول الله صلی الله علیه و سلم بیرون رفتیم تا این که به غدیر خم رسیدیم. ایشان دستور توقف داد. در روزی که گرم تر از آن بر ما نیامده بود، زمین را تمیز کردند. سپس خدا را ستایش کرد و ثنای او گفت و فرمود: ای مردم! هیچ پیامبری برانگیخته نشد، مگر این که نصف عمری که فرد پیشین او زندگی کرده بود، نکرده بود. من نیز نزدیک است که خوانده شوم و باید پاسخ دهم. من در میان شما چیزی را می گذارم که پس از آن هرگز گمراه نمی شوید. کتاب خداوند عزوجل. سپس ایستاد و دست علی (رض) را گرفت و فرمود: ای مردم! چه فردی از خودتان به شما سزاوارتر است؟ عرض کردند: خداوند و رسولش داناترند. فرمود: هر کس که من مولای او هستم، علی (رض) مولای اوست). این حدیثی است که از جهت سند، صحیح است و آن دو، آن را نیاوردند. [403]

المصنف - ابن أبي شيبة: «حدثنا مطلب بن زياد عن عبد الله بن محمد بن عقيل عن جابر بن عبد الله قال: كنا بالجحفة بغدير خم إذا خرج علينا رسول الله صلى الله عليه وسلم فأخذ بيد علي فقال: "من كنت مولاة فعلي مولاة"».

مصنف، ابن ابی شیبہ: جابر بن عبدالله گوید: (در جحفه غدیر خم بودیم که رسول الله صلی الله علیه و سلم بر ما بیرون آمد و دست علی را گرفت و فرمود: هر کس که من مولای او هستم، علی مولای اوست).

المصنف - ابن أبي شيبة: «حدثنا شريك عن حنش بن الحارث عن رباح بن الحارث قال: بينا علي جالساً في الرحبة إذ جاء رجل عليه أثر السفر فقال: السلام



عليك يا مولاي، فقال: من هذا، فقالوا: هذا أبو أيوب الأنصاري، فقال: إني سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول: من كنت مولاه فعلي مولاه» ([404]).

مصنف، ابن ابی شیبہ: رباح بن حارث گوید: (وقتی علی در رحبه نشستہ بود، مردی که نشانه‌های سفر در او بود، آمد و عرض کرد: ای مولای من، درود بر تو. فرمود: این چه کسی است؟ عرض کردند: این ابو ایوب انصاری است. ابوایوب گفت: من از رسول الله صلى الله عليه و سلم شنیدم که فرمود: هرکس که من مولای او هستم، علی مولای اوست). ([405])

[361] قرآن کریم، سوره ی فتح، آیه ی ۲۳.

[362] قرآن کریم، سوره ی بقره، آیه ی ۳۰.

[363] قرآن کریم، سوره ی بقره، آیه ی ۳۱.

[364] قرآن کریم، سوره ی بقره، آیه ی ۳۴.

[365]. ورد في:

- المستدرک - الحاكم النيسابوري: ج 3 ص 129، عن علي (عليه السلام).
  - كنز العمال - المتقي الهندي: ج 2 ص 441، عن علي (عليه السلام).
  - نظم درر السمطين - الزرندي الحنفي: ص 89 - 90، عن أبي برزة الأسلمي وابن عباس.
  - تفسير الطبري: ج 13 ص 142، عن ابن عباس.
  - تاريخ مدينة دمشق - ابن عساكر: ج 42 ص 359 و 360، عن عبد خير وعبد الله الأسدي.
- بلفظ "رجل من بني هاشم" ورد في:

- مسند أحمد: ج 1 ص 126. عن علي (عليه السلام).
- المعجم الصغير - الطبراني: ج 1 ص 261. والمعجم الأوسط: ج 2 ص 94، وج 5 ص 153، وج 7 ص 379.
- مجمع الزوائد - الهيثمي: ج 7 ص 41، عن عبد الله.

[366]. در منابع زیر وارد شده است:

- مستدرک، حاکم نیشابوری، ج ۳، ص ۱۲۹، از علی (ع) آمده است.

- کنز العمال، متقی هندی، ج ۲، ص ۴۴۱، از علی (ع).

- نظم در السمطین، زرنندی حنفی، صص ۸۹ تا ۹۰، از ابی برزه اسلمی و ابن عباس.

- تفسیر طبری، ج ۱۳، ص ۱۴۲، از ابن عباس.

- تاریخ مدینه دمشق، ابن عساکر، ج ۴۲، صص ۳۵۹ و ۳۶۰، از عبد خیر و عبدالله اسدی.

با لفظ «رَجُلٌ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ» (مردی از بنی هاشم) در منابع زیر آمده است:

- مسند احمد، ج ۱، ص ۱۲۶، از علی (ع) آمده است.

- معجم الصغیر، طبرانی، ج ۱، ص ۲۶۱، و معجم الاوسط، ج ۲، ص ۹۶، و ج ۵، ص ۱۵۳، و ج ۷، ص ۳۷۹.

- مجمع الزوائد، هیثمی، ج ۷، ص ۴۱، از عبدالله.

[367]. قال ابن حجر في فتح الباري: ج 8 ص 285 عن هذا الحديث إنه «إسناد حسن».

[368]. قرآن کریم، سوره ی رعد، آیه ی ۷.

[369]. ابن حجر عسقلانی در کتاب فتح الباری، ج ۸، ص ۲۸۵ می گوید: این حدیث به سند حسن روایت شده

است.

[370]. قال الحاكم: "هذا حديث صحيح الإسناد ولم يخرجاه".

[371]. حاکم نیشابوری در ذیل این روایت می نویسد: این حدیث صحیح السند است، اما آن دو نفر (بخاری و مسلم)

نقل نکرده اند!

[372]. أخرجه الطبراني في المعجم الأوسط: ج 2 ص 94، ج 5 ص 153 - 154؛ مسند أحمد بن حنبل: ج 1 ص 126،

وصححه أحمد محمد شاكر في تعليقه على مسند أحمد: ج 2 ص 48 - 49 برقم 1041 إذ قال: "إسناده صحيح. المطلب بن

زياد بن أبي زهير الثقفي الكوفي، ثقة، وثقه أحمد وابن معين وغيرهما، وترجمه البخاري في الكبير 4/2/8 فلم يذكر فيه

جرحاً... وهذا الحديث من زيادات عبد الله بن احمد". وأخرجه الهيثمي في مجمع الزوائد: ج 7 ص 41 وقال: "رواه عبد الله بن

أحمد والطبراني في الصغير والأوسط ورجال المسند ثقات".

[373]. محدثان دیگری از اهل سنت نیز حدیث مزبور در را کتب خود ذکر کرده اند؛ مثلاً:

طبرانی در المعجم الاوسط ج ۲، ص ۹۴، و ج ۵، صص ۱۵۳ تا ۱۵۴.

مسند احمد بن حنبل ج ۱، ص ۱۲۶.

احمد محمد شاكر در تعليقه و حاشیه ی خود بر کتاب مسند احمد (ج ۲، ص ۴۸ و ۴۹) این روایت را تصحیح کرده

است و می گوید: «سندش صحیح است. مطلب بن زیاد بن ابی زهیر ثقفی کوفی ثقة است، چون احمد و ابن معین و

دیگران او را توثیق کرده اند و بخاری در کتاب الكبير (۸/۲/۴) احوال او را ذکر کرده است و هیچ مذمت و عیبی

درباره ی او نگفته است ... و این حدیث از اضافات عبدالله بن احمد است.»

هیثمی در مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۴۱ درباره ی این روایت گفته است: «عبد الله بن احمد و طبرانی در المعجم

الصغير و المعجم الاوسط آن را نقل کرده اند و رجال و راویان مسند احمد همگی ثقة (معتبر و مورد اعتماد) هستند.»

[374]. قرآن کریم، سوره ی رعد، آیه ی ۷.

[375]. الحديث ورد في:

- مسند أحمد: ج 1 ص 84 و 118 و 119 و 152، وج 4 ص 281 و 370 و 373، وج 5 ص 366 و 373 و 419، عن علي (عليه السلام) وزاذان بن عمر وسعيد بن وهب وزيد بن يثيع وعبد الرحمن بن أبي ليلى والبراء بن عازب وأبي الطفيل وزيد بن أرقم ورياح بن الحرث.
- سنن ابن ماجه: ج 5 ص 297، عن سعد بن أبي وقاص.
- سنن الترمذي: ج 5 ص 297، عن أبي سريحة أو زيد بن أرقم.
- المستدرک - الحاكم النيسابوري: ج 3 ص 109 - 110 و 371 و 533، عن زيد بن أرقم وبريدة الأُسلمي.
- المصنف - ابن أبي شيبة الكوفي: ج 7 ص 495 و 496 و 499 و 503 و 506، عن جابر بن عبد الله ورياح بن الحارث وسعد وزيد بن يثيع والبراء وبريدة.
- السنن الكبرى - النسائي: ج 5 ص 45 و 108 و 130 و 131 و 132 و 134 و 136، عن بريدة وسعد بن أبي وقاص وعميرة بن سعد وسعيد بن وهب وزيد بن يثيع وأبي الطفيل وعمرو ذي مر.
- مسند أبي يعلى: ج 1 ص 429، وج 11 ص 307، عن عبد الرحمن بن أبي ليلى وأبي يزيد الأودي.
- صحيح ابن حبان: ج 15 ص 376 عن أبي الطفيل.
- مجمع الزوائد - الهيثمي: ج 9 ص 103 "باب قوله صلى الله عليه وسلم من كنت مولاه فعلى مولاه"، عن علي (عليه السلام) ورياح بن الحارث وعمرو ذي مر وزيد بن أرقم وأبي الطفيل وسعيد بن وهب وزيد بن يثيع وعبد الرحمن بن أبي ليلى وابن عمر وملك بن الحويرث وحبشي بن جنادة وجريبر وزياد بن مطرف ونذير وسعد بن أبي وقاص وزاذان أبي عمر وعمارة وابن عباس وعميرة بنت سعد وعمير بن سعد وأبي سعيد وعبد الله بن مسعود وبريدة.

وغيرها الكثير.

يقول الألباني: "حديث: من كنت مولاه فعلى مولاه، اللهم وال من والاه، وعاد من عاداه، وهو حديث صحيح غاية، جاء من طرق جماعة من الصحابة خرجت أحاديث سبعة منهم، ول بعضهم أكثر من طريق واحد، وقد خرجتها كلها وتكلمت على أسانيدھا في "سلسلة الأحاديث الصحيحة (1750)" السنة - ابن أبي عاصم، ومعه ظلال الجنة في تخريج السنة - محمد ناصر الألباني: ص 552.

[376]. این حدیث در منابع زیر آمده است:

- مسند احمد، ج 1، صص 84 و 118 و 119 و 152 و ج 4، صص 281 و 370 و 373 و ج 5 صص 366 و 373 و 419، و از علی (ع) و زاذان بن عمر و سعید بن وهب و زید بن یثیع و عبد الرحمن بن ابی لیلی و براء بن عازب و ابو طفیل و زید بن ارقم و ریاح بن حرث نقل شده است.
- سنن ابن ماجه، ج 5، ص 297، از سعد ابن ابی وقاص.

- سنن ترمذی، ج ۵، ص ۲۷۹، از ابوسریحه یا زید بن ارقم.

- مستدرک، حاکم نیشابوری، ج ۳، صص ۱۰۹ و ۱۱۰ و ۳۷۱ و ۵۳۳، از زید بن ارقم و بریده اسلمی.

- مصنف، ابن ابی شیبۀ کوفی، ج ۷، صص ۴۹۵ و ۴۹۶ و ۴۹۹ و ۵۰۳ و ۵۰۶، از جابر بن عبدالله و رباح بن حارث و سعد و زید بن یثیع و براء و بریده.

- سنن کبری، نسائی، ج ۵، ص ۴۵ و ۱۰۸ و ۱۳۰ و ۱۳۱ و ۱۳۲ و ۱۳۴ و ۱۳۶، از بریده و سعد بن ابی وقاص و عمیره بن سعد و سعید بن وهب و زید بن یثیع و ابوظفیل و عمرو ذو مر.

- مسند ابی یعلی، ج ۱، ص ۴۲۹ و ج ۱۱، ص ۳۰۷، از عبدالرحمن بن ابی لیلی و ابو یزید اودی.

- صحیح ابن حبان، ج ۱۵، ص ۳۷۶، از ابو طفیل.

- مجمع الزوائد، هیشمی، ج ۹، ص ۱۰۳، باب سخن ایشان صلی الله علیه و سلم «من کنت مولاه فعلی مولاه» از

علی (ع) و رباح بن حارث و عمرو ذو مر و زید بن ارقم و ابوظفیل و سعید بن وهب و زید بن یثیع و عبدالرحمن بن

ابولیلی و ابن عمر و ملک بن حویرث و حبشی بن جناده و جریر و زیاد بن مطرف و نذیر و سعد بن ابی وقاص و زادن

ابی عمر و عماره و ابن عباس و عمیره بنت سعد و عمیر بن سعد و ابی سعید و عبدالله بن مسعود و بریده.

و منابع بسیار دیگر.

آلبانی می گوید: «حدیث من کنت مولاه فعلی مولاه. اللهم وال من والاه و عاد من عاداه بسیار صحیح است. از

طریق گروهی از صحابه آمده است که احادیث ۷ نفر از آنان آمده است و برای برخی از آنان بیشتر از یک طریق

است و همه ی آنها را آوردم و سندهای آن را کامل نمودم». (سلسلة الاحادیث الصحیحه، ص ۱۷۵۰، سنت ابن

ابی عاصم، ظلال الجنة فی تخریج السنة. محمد ناصر آلبانی، ص ۵۵۲)

[377]. مسند أحمد: ج 1 ص 84.

[378]. مسند أحمد، ج ۱، ص ۸۴.

[379]. مسند أحمد: ج 1 ص 119.

[380]. مسند أحمد، ج ۱، ص ۱۱۹.

[381]. مسند أحمد: ج 1 ص 152.

[382]. مسند أحمد، ج ۱، ص ۱۵۲.

[383]. مسند أحمد: ج 4 ص 281.

[384]. مسند أحمد، ج ۴، ص ۲۸۱.

[385]. مسند أحمد: ج 4 ص 370.

[386]. مسند أحمد، ج ۴، ص ۳۷۰.

[387]. مسند أحمد: ج 4 ص 373.

[388]. مسند أحمد، ج ۴، ص ۳۷۳.

[389]. مسند أحمد: ج 5 ص 366.

- [390] مسند أحمد، ج ٥، ص ٣٦٦.
- [391] مسند أحمد: ج 5 ص 370.
- [392] مسند أحمد، ج ٥، ص ٣٧٠.
- [393] مسند أحمد: ج 5 ص 419.
- [394] مسند أحمد، ج ٥، ص ٤١٩.
- [395] سنن ابن ماجة: ج 1 ص 45.
- [396] سنن ابن ماجة، ج ١، ص ٤٥.
- [397] سنن الترمذي: ج 5 ص 297.
- [398] المستدرک - الحاكم النيسابوري: ج 3 ص 109 - 110.
- [399] المستدرک، حاکم نیشابوری، ج ٣، ص ١٠٩ و ١١٠.
- [400] المستدرک - الحاكم النيسابوري: ج 3 ص 371.
- [401] المستدرک، حاکم نیشابوری، ج ٣، ص ٣٧١.
- [402] المستدرک - الحاكم النيسابوري: ج 3 ص 533.
- [403] المستدرک، حاکم نیشابوری، ج ٣، ص ٥٣٣.
- [404] المصنف - ابن أبي شيبة: ج 7 ص 495 - 496.
- [405] المصنف، ابن أبي شيبة، ج ٧، ص ٤٩٥ و ٤٩٦.